

جریان ضد ایرانی در حال فروش پروژه‌های توهمی جدید به ترامپ است

افدی‌دی یا همان ایرانی با پرچم اسرائیل...



سیده‌هدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، نامی فریبنده و پوششی لطیف بر روی یکی از خشن‌ترین ساختارهایی است که جهان به خود دیده است. شاید به تعبیری بتوان گفت، افکاری که این بنیاد منادی آن است، به ذهن چنگیزخان مغول و مشاورانش می‌رسیده است. این بنیاد که به‌اختصار افدی‌دی نیز نامیده می‌شود، راوی طرح‌های مخوف برای نابودی ایران از طریق تجزیه، تغییر نظامی سیاسی، تحریم کامل اقتصادی و ایجاد گرسنگی در ایران بوده و به‌تازگی توسط مزدوران خود پیشنهاد کرده تا در جنوب ایران، «منطقه پرواز ممنوع» ایجاد شود.

عمل به پیشنهادهای افدی‌دی، تاکنون برای «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا راهگشا نبوده و ضمن پیچیده ساختن اوضاع برای وی، حیثیت ترامپ، آمریکا و ارتش این کشور را دچار فرسایش شدید کرده است؛ تا جایی‌که آمریکا با مصرف بخش بزرگی از ذخایر راهبردی همیات دقیق، میان‌برد و سنگین خود، نه‌تنها به موفقیتی در برابر ایران دست نیافته که با کاهش سطح ذخایر، با مشکل در موازنه در برابر چین و روسیه روبه‌رو شده است. این بنیاد حالا خواب دیگری برای رئیس‌جمهور آمریکا دیده و می‌خواهد چاهی عمیق‌تر برای وی بکند که شاید افغانان در آن، راه خروجی نداشته باشد.

مناطق پرواز ممنوع

تاکنون چند منطقه پرواز ممنوع اعلام شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها سه مورد شمال عراق، بوسنی و لیبی هستند. دو مورد اول مساحت اندکی داشتند. محدوده شمال عراق ۱۲۰ هزار کیلومتر مربع و محدوده بوسنی ۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارند. این در حالی است که وسعت استان‌های جنوبی ایران به ۳۴۰ هزار کیلومتر مربع می‌رسد که تقریباً ۳ برابر محدوده شمال عراق و ۷ برابر محدوده بوسنی است. در اینجا باید لیستی را موردی متفاوت تلقی کرد. محدوده اعلامی منطقه پرواز ممنوع لیبی، برابر با کل این کشور با مساحت یک میلیون و ۷۰۰ هزار کیلومتر مربع اعلام شده بود، اما تمام لیبی تقریباً در خط ساحلی خلاصه می‌شد و شهرهای مهم و ۹۰ درصد جمعیت در آنجا متمرکز بودند. ازسوی دیگر در ساحل تنها دو شهر طرابلس و بنغازی اساس کار به حساب می‌آمدند. مهم‌تر آنکه صدور دستور پرواز ممنوع در خصوص لیبی نه برای ادامه جنگ که برای شروع آن اعلام شد. ناتویس از اعلام منطقه پرواز ممنوع به درازی‌های طولی روی زمین حمله کرد و اساساً هدف و نحوه اعمال چیز دیگری بود. پس نمونه‌های واقعی عراق و بوسنی اند. منطقه پرواز ممنوع برای زمانی است که آتش بس شده و یا دیگری‌ها پس از زودخورد‌های شدید، به درگیری‌های پرکننده کاهش یافته‌اند. این نشان می‌دهد آنچه در لیبی رخ داد، مجرای دستور جنگ بود و با اعلام منطقه پرواز ممنوع متفاوت بود.

تفاوت بعدی به روی زمین باز می‌گردد. در لیبی شورشیان فعال شده و با تصرف شرق، بنغازی دومین شهر مهم کشور را پایتختی منطقه تحت کنترل خود برای نبرد با دولت قذافی معرفی کردند. نیروهای دولت طرابلس باید از غرب به شرق لشکرکشی کرده و با ساکنان و قبایل شرق لیبی درگیر می‌شدند. در عراق کردها در شمال حضور داشتند و با نظامیان اعزامی بغداد می‌جنگیدند. در بوسنی صرب‌ها درصدد سرکوب بوشنیاک‌ها بودند و به مناطق آن‌ها حمله می‌کردند. پس در این‌همین موارد، نیروی حاضر در این مناطق مهاجم تلقی شده، بومی نبود و با مردم ساکن تفاوت داشت. در ایران اما نیروی نظامی حاضر در جنوب، مدافع، بومی و با حمایت مردمی است. در این سه مورد، گروه‌ها و ساختارهای بومی مستقر بودند. کردها، بوشنیاک‌ها و دولت شرق لیبی، تشکیلات خاص خود را داشتند و مسئله صرفاً درگیری جمعیت بومی با نیروی مهاجم نبود.

در این میان باید جمعیت و قدرت نظامی را هم در نظر گرفت. جمعیت

سرمایه بی نظیر یک ملت

بازخوانی همبستگی ایرانی درآینه نظریه‌های اجتماعی

مهدی سرداری

پژوهشگر مرکز مطالعات پارلمان اندیشکده حکمرانی شریف

مقدمه: از انحصار تارهایی، نقشی که مردم می‌آفرینند

در ادبیات نوین علوم اجتماعی، همواره این پرسش مطرح بوده که چرا برخی جوامع، علی‌رغم بر خوردراری از منابع مادی فراوان، در چرخه‌های عقب‌ماندگی گرفتار می‌شوند و برخی دیگر، با کمترین امکانات، مسیر شکوفایی را می‌پیمایند؟ پاسخ‌های رایجی که به‌سیاست‌های پولی، نرخ ارز یا خصوصی‌سازی اشاره دارند، اغلب به خطا می‌روند، چراکه غافل از یک عنصر کلیدی اند: سرمایه اجتماعی. این سرمایه که از دل اعتماد متقابل، همبستگی جمعی و مهارت مردم در کشش‌های هماهنگ زاده می‌شود، موتور محرک واقعی تحولات تاریخی است.

رویدادهای ۱۳۰ روز اخیر در ایران و اوج‌گیری آن در تشیع بی‌ظنیر و میلیونی، نه یک مناسبت آیینی صرف که یک آزمایشگاه بزرگ اجتماعی بوده؛ آزمایشگاهی که در آن، مفاهیم انتزاعی «همبستگی» و «کش جمعی» به‌عینیتی ملموس و دیدنی بدل شدند. این نوشتار در پی آن است که این رویداد عظیم را بدرست‌نظریه سرمایه اجتماعی بازخوانی کند و نشان دهد که چگونه یک ملت، باتکیه بر نیروی درونی خویش، بزرگ‌ترین مانع پیشرفت یعنی انحصار و جدایی را پشت سر می‌گذارد.

محور اول: تشیع میلیونی

ترازوی سنجش سرمایه اجتماعی

یکی از دقیق‌ترین شاخص‌های سنجش «سرمایه اجتماعی» در یک جامعه، میزان حضور خودجوش مردم در موقعیت‌های فراخوانده شده توسط وجدان جمعی است. تشیع میلیونی رهبر فقید ایران، فراتر از هر تحلیلی، گویای این واقعیت بود که پیوند‌های عاطفی و هویتی در این سرزمین، از چنان استحکامی برخوردار است که می‌تواند میلیون‌ها انسان را هر قوم، گویش، طبقه و سنگر فکری، از سراسر کشور در یک نقطه و در یک‌زمان گرد هم آورد. این حضور گسترده، فالخ از هرگونه اجبار اداری یا سازمان‌یافتگی ازبیش طایفه‌ای شده، معیاری عینی‌ا «اعتماد جمعی» به‌شمار می‌رود. اعتمادی که نه به نهادهای رسمی که به پیوند‌های افقی میان خود مردم بازمی‌گردد. مردم به یکدیگر اعتماد داشتند که در این مسیر همراه هستند؛ به عواطف مشترک خویش اعتماد داشتند؛ و به قدرت بی‌بدیل «بودن در کنار هم» ایمان آورده بودند. در نظریه‌های اجتماعی، «شبکه‌های اعتماد» از ارکان اصلی



ایران ۹۰ میلیون نفر است درحالی‌که در دوره درگیری‌های اوایل دهه ۱۹۹۰، جمعیت صرب‌ها در بالکان ۱۰ میلیون نفر، جمعیت عراق ۲۰ میلیون نفر و در دهه ۲۰۱۰ جمعیت لیبی ۶ میلیون نفر بود. از نظر قدرت نظامی، هیچ کدام توانایی عملیات دور‌برد نداشتند و پدافندشان به‌طور کامل نابود شد. در مقابل، هیچگاه شلیک‌های موشکی و پهپادی ایران به دوردست متوقف نشده و هر بار پدافند توسط دشمن به‌عنوان هدف درنظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که در هر دور درگیری، دشمن زمان و توانی را برای سرکوب اختصاص می‌دهد و پیش از چنین حملاتی، از ورود به آسمان عمدتاً خودداری می‌کند.

مسئله مهم، وضعیت برقراری پرواز ممنوع است. بلوک شرق در ۱۹۸۹ و شوروی به‌طور کامل در ۱۹۹۱ فروپاشید و با نابودی نظام دوقطبی، آمریکا به‌تک‌قطب جهان تبدیل شد درحالی‌که چین، هند و اروپا هیچ کدام قدرتی نداشته و خبری نیز از قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های نوظهور نبود. در خصوص لیبی نیز کماکان روسیه و چین به قدرت امروز نبودند تا مشکلی برای آمریکا ایجاد کنند. روسیه گرچه قدرت نظامی داشت، اما تحرکی عمده از خود نشان نداده بود و جدی گرفته نمی‌شد تا آنکه در سال ۲۰۱۴ با تصرف کریمه به بازی برگشت. در حال حاضر اما چین به رقیبی بزرگ تبدیل شده، روسیه تهدید نظامی بالفعل است و ایران را نمی‌توان محدود به مرزها دید زیرا موفق شده با گروه‌های مقاومت جنگ را منطقه‌ای سازد.

جنگ طلبان افدی‌دی می‌گویند حتی بدون اعلام رسمی، منطقه پرواز ممنوع در جنوب ایجاد شده است. دلیلی که آن‌ها می‌آورند، عدم پرواز هواپیماهای مسافربری به فرودگاه‌های غیر نظامی این منطقه است که مردم عادی از آن بهره می‌گرفتند. قدرت هوایی ایران مبتنی بر موشک و پهپاد است که تمام این پرتابه‌ها در حال پرواز در سراسر منطقه و اصابت به اهداف دوردست هستند. جنگ طلبان افدی‌دی درحالی‌که ادعا دارند منطقه پرواز ممنوع در جنوب شکل گرفته و کار انجام شده، با تناقض می‌گویند باید آن را ایجاد کرد و لازمه آن ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای با حضور دولت‌های عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس است. تفاوت‌ها و تناقض‌ها در آنچه افدی‌دی به دولت آمریکا پیشنهاد کرده، بسیار زیاد است و هدف از ارائه آن، تشدید اوضاع و خدمت به رژیم صهیونیستی در ازای منافع مالی است.

خیانت‌های افدی‌دی

ریشه تأسیس افدی‌دی به سال ۲۰۰۱ باز می‌گردد. وقوع دو انتفاضه

قبضه دارد و برای ماندگاری خود، فضاهای رقابت را بر روی دیگران می‌بندد. تجارب تاریخی نشان می‌دهد که تنها عاملی که توانایی شکستن این انحصار را دارد، همبستگی فراگیر مردمی است. تشیع میلیونی ایران، این همبستگی را به بزرگ‌ترین مقیاس ممکن به رخ کشید.

آنچه این رویداد را از سایر مناسبت‌ها متمایز می‌ساخت، ناهمگونی جمعیت شرکت‌کننده بود. حضور اقشار مختلف با سلاقی و گرایش‌های گوناگون در کنار یکدیگر، نشان داد که «وحدت ملی» یک مفهوم انتزاعی نیست؛ بلکه یک واقعیت عینی است که می‌تواند در لحظات حساس تاریخی، خود را به شکل باشکوهی نمایان سازد. این همبستگی، قوی‌ترین پیام را به هر جریان انحصارگری مخایر می‌کند؛ جامعه ایران از آن چنان انسجام درونی برخوردار است که نمی‌توان آن را به حاشیه راند یا از صحنه حذف کرد.

در نظریه سرمایه اجتماعی، یکی از کارکردهای کلیدی همبستگی، «ایجاد قدرت چانه‌زنی جمعی» است. وقتی میلیون‌ها انسان در یک صف واحد قرار می‌گیرند، دیگر نمی‌توان آنان را به‌عنوان «افرادی پراکنده» نادیده گرفت. آنان به یک «نیروی اجتماعی سازمان‌یافته» تبدیل می‌شوند که مطالباتش قابل‌انکار نیست. تشیع میلیونی، این نیرو را به معرض نمایش گذاشت و اثبات کرد که مردم، قدرتمندترین نهاد اجتماعی این سرزمین هستند.

محور چهارم: توانمندسازی مردم راهبردی برای آینده

گذر از جوامع بسته به جوامع توسعه‌یافته، در گروی «توانمندسازی عاملیت مردم» است. این توانمندسازی، یعنی اینکه مردم از نقش «پذیرنده دستورات» خارج ش‌سوند و به «طراحان و بازیگران اصلی» صحنه اجتماعی بدل شوند. آنچه در ۱۳۰ روز اخیر و به‌ویژه در تشیع میلیونی مشاهده شد، گامی بلند در جهت این توانمندسازی بود. مردم نشان دادند که می‌توانند بدون اتکا به ساختارهای رسمی، بزرگ‌ترین گردهمایی‌های تاریخ معاصر خویش را رقم بزنند و از سرمایه عاطفی خود برای خلق «قدرت نرم بی‌ظنیر» استفاده کنند. این توانمندسازی، پیامد‌ها راهبردی مهمی برای آینده دارد. جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی نیرومندی دارد، در برابر بحران‌ها و شوک‌های سیاسی و اقتصادی، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهد. این تاب‌آوری، موهون

تجمع عناصر ضدایرانی در آمریکا تبدیل شد و ضمن جذب ایران‌هراسان آمریکایی، عناصری از میان ایرانیان خیانت‌کار را جذب کرد. سعید قاسمی‌نژاد و بهنام طالب‌لو از جمله مشهورترین عناصر ایرانی جذب شده به این بنیاد هستند. در ادامه به بخشی از پیشنهادها و طراحی‌های ضدایرانی افدی‌دی اشاره می‌شود.

۱ بمباران زیرساخت‌ها

بمباران زیرساخت‌های ایران که به دلیل تبعات حیثیتی و مهاجرتی، توسط آمریکا و اروپا همواره رد می‌شد، خواسته اصلی رژیم صهیونیستی است. افدی‌دی با ترویج این ایده در آمریکا تلاش کرد دولت این کشور را به حمله به زیرساخت‌ها ترغیب کند؛ سیاستی که با اجرای نسیی در جنگ ۴۰ روزه، باعث پاسخ شدید ایران شد تا جایی که ترامپ در حین جنگ مجبور شد به نوعی از آن عقب‌نشینی کرده و رژیم صهیونیستی را شماتت کند.

۲ تحریم خودروسازی

مزدوران ایرانی حاضر در افدی‌دی، زمانی پیشنهاد کرده بودند آمریکا صنعت خودروسازی ایران را تحریم کند زیرا صدها هزار ایرانی در صنعت خودرو و فعالیت‌ها و این می‌تواند باعث بیکاری و یا کاهش حقوق آنان شود. ازسوی دیگر این افراد معتقد بودند با کاهش تولید داخلی، دولت مجبور به استفاده از ذخایر ارزی برای واردات خودرو شده‌بود. می‌تواند این ذخایر را بلعیده و به افزایش قیمت ارز منجر گردد. صنعت خودرو گرچه به‌طورکلی از فضای تحریمی آسیب دید، اما نه از بین رفت و نه آن‌گونه که افدی‌دی خواسته بود، این امر منجر به تخلیه ذخایر ارزی برای واردات خودرو شد.

۳ توقیف یا دزدی اموال ایران

این بنیاد مرکز اصلی اصرار بر شناسایی و توقیف اموال ایران است. دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۱۶ حکمی برای مصادره حدود ۲ میلیارد دلار از اموال مسدودشده بانک مرکزی ایران صادر کرد تا به‌زعم آن برای پرداخت به بازماندگان حملات ۱۹۸۳ بیروت پرداخت شود.

۴ حمایت از خاندان پهلوی

رژیم صهیونیستی دست اصلی حامی خاندان پهلوی است و به‌وسیله بنیاد تحت کنترل خود، این خاندان را در چشم مقامات آمریکایی برای عملیات علیه ایران برجسته کرده است. معرفی این خاندان برای ایجاد آشوب در داخل و جایگزینی نظام سیاسی، توسط افدی‌دی صورت گرفت. نقطه اوج این طراحی، وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ بود که با پیاده‌سازی در قالب کودتا برای کشتار مردم، نظامیان و کارمندان دولت و آسیب به شهرها، منجر به شهادت تعداد زیادی شد.

نتایج پیشنهادهای افدی‌دی

پیشنهاد‌های بنیاد صهیونیستی افدی‌دی، چند شناسه دارند؛ حداکثری، رادیکال، خشونت‌بار و غیرانسانی هستند. در قضیه تحریم‌ها، آن‌ها به دنبال رساندن تحریم‌ها به محاصره کامل جهت فرو پاشی کامل و ایجاد گرسنگی وسیع هستند. در قضیه هسته‌ای، آن‌ها به دولت آمریکا پیشنهاد کرده‌اند که زیر بار هیچ سطحی از ادامه برنامه هسته‌ای در ایران نرفته و خواهان جمع‌آوری و نابودی کامل این برنامه شود. پیشنهاد‌های رادیکال و حداکثری این بنیاد نه‌تنها غیر واقعی‌اند، بلکه باتوجه طبعی که دارند، باعث برعکس شدن هر دستاوردی می‌شوند. آمریکا با چنین هدایت‌هایی وارد جنگ ۴۰ روزه شد و اقداماتی حداکثری انجام داد؛ از جمله ترور رهبران سیاسی که یک تاپوی بزرگ در جهان بود. این تحرکات حداکثری باعث شد ایران فرصت و اراده مسدود کردن تگه هر مز را به دست آورد. ازاین‌رو فعلاً هدف آمریکا پیش از هر چیز، بازگشایی مجدد تگه هر مز است.

همان اعتماد و همبستگی متقابلی است که در روزهای اخیر به عیان دیده شد. وقتی مردم بدانند که «خود ما» می‌توانیم صحنه‌هایی به این عظمت را خلق کنیم، وابستگی‌های ذهنی و عملی به نهادهای سنتی کاهش می‌یابد. این استقلال عمل، بستر مناسبی برای توسعه همه‌جانبه فراهم می‌آورد. هر رابطه اجتماعی، فراز و نشیب‌هایی دارد. اما رویدادهایی با این عظمت، همچون یک «کاتالیزور» عمل می‌کنند که می‌تواند اعتماد خشده‌ها را ترمیم کند و پیوندهای گسسته را دوباره برقرار سازد.

نتیجه‌گیری امیدبخش: آینده، از آن ملتی است که یک‌صد می‌شود

نکته ظریف اما حیاتی این است که این سطح از سرمایه اجتماعی، به‌هیچ‌کس جز خود مردم متعلق ندارد و هیچ قدرتی نیز نمی‌تواند آن را از ایشان سلب کند. تشیع میلیونی و حضور ۱۳۰ روزه، نشان‌داد که این ملت، صاحب «سرمایه‌ای» است که از نفت، معادن و حتی تکنولوژی روز هم ارزشمندتر است؛ سرمایه‌ای به نام همدلی و همبستگی.

بر اساس آموزه‌های علوم اجتماعی، هیچ جامعه‌ای از بازگشت به ساختارهای بسته و انحصاری در امان نیست، مگر آنکه مردمش هوشیار، سازمان‌یافته و پیوسته در صحنه باشند. آنچه در این ایام رخ نمود، نوید آن را می‌دهد که مردم ایران این هوشیاری را دارند. آنان ثابت کردند که «مهارت گرد هم آمدن و اقدام جمعی هماهنگ» را در بالاترین سطح ممکن فراگرفته‌اند. آنان به جهانیان و مهم‌تر از آن، به خودشان نشان دادند که در کالبد این سرزمین، روحی واحد، اراده‌ای استوار و عواطفی مشترک در جریان است.

این حضور بی‌سابقه، گرامی‌ترین میراث یک رهبر فقید نیست؛ بلکه میراث یک ملت زنده است؛ ملتی که بر خلاف تمام پیش‌بینی‌های بدبینانه، همچنان به‌یکدیگر اعتماد دارد و برای دفاع از حرمت‌ها و هویت خویش، لحظه‌ای درنگ نمی‌کند. چنین ملتی، از هر آزمون دشواری سر بلند بیرون خواهد آمد، زیرا می‌داند که قوی‌ترین تکیه‌گاه، نه برج‌های قدرت که شانه‌های همسایگان و دل‌های هم‌وطنان است و این، بزرگ‌ترین درس ۱۳۰ روز اخیر و باشکوه‌ترین دستاورد تشیع میلیونی بود؛ ما همچنان با هم هستیم و این، کلید گشایش هر دری است.